

نوع مقاله: ترویجی

موضوع‌شناسی اوراق استصناع^۱

abkarimi58@gmail.com

عبدالخالق کریمی / دانشجوی دکتری قرآن و اقتصاد جامعه‌المصطفی العالمیه
دریافت: ۹۹/۰۵/۰۷ پذیرش: ۹۹/۱۱/۱۱

چکیده

در دهه اخیر استفاده از ابزار مالی از جمله صکوک و اوراق استصناع، به‌عنوان روش تأمین سرمایه مورد نیاز دولت، مؤسسات عمومی و شرکت‌های تجاری، در بازارهای مالی کشورهای اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. مقاله به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به بررسی موضوع شناسانه مفاد و ماهیت عقد و اوراق استصناع پرداخته است و هدف آن روشن شدن؛ مزایا، ارکان، انواع و روش‌های به‌کارگیری آن اوراق در قلمرو مالی اسلامی و بانکداری بدون ربا است، تا زمینه صدور حکم و فتوای فقهی از جانب مراجع معظم تقلید فراهم گردد. براساس یافته‌های تحقیق؛ اوراق استصناع از نوع ابزارهای مالی انتفاعی با نرخ سود سرمایه‌گذاری معین و با ریسک پایین محسوب می‌شود که در قالب اوراق استصناع عادی، قابل تبدیل به اوراق سهام، توأم با اوراق حق اختیار معامله و به صورت استصناع مستقیم و غیرمستقیم یا موازی؛ برای تأمین مالی در بازار سرمایه و به‌عنوان گزینه‌های قابل انتشار در بورس اوراق بهادار مطرح است.

کلیدواژه‌ها: استصناع، اوراق استصناع، موضوع شناسی، موضوع شناسی فقهی.

مقدمه

موضوع‌شناسی، از مسائل بسیار مهم در فقه است؛ زیرا موضوع در مرتبه پیش از حکم و به‌منزله علت آن است. فقیه، تا موضوع را به درستی نشناسد و اقسام آن را تشخیص ندهد، روا نیست حکمی را بر آن بار کند. هرچه دامنه آگاهی‌های فقیه نسبت به موضوع گسترده‌تر و آشنایی وی با دانش‌های رایج زمان خود، بیشتر باشد و به زوایای گوناگون موضوع توجه داشته باشد، در یافتن حکم آن تواناتر خواهد بود.

براساس نظر فقیهان نخستین منبع در شناخت موضوع‌هایی که در لسان شرع وارد شده، خود شرع است. در صورتی که معنای شرعی آنها روشن نباشد، باید به عرف و لغت مراجعه شود. براساس همین دیدگاه برای عرف متخصص در تشخیص موضوع‌ها، اعتبار و شأن ویژه‌ای قائل هستند؛ زیرا امروزه که شاخه‌های دانش گسترش یافته و علم و صنعت و علوم انسانی چهره جهان را دگرگون ساخته و هزارها مسئله نو به وجود آورده، استفاده از دیدگاه‌های متخصصان در هر عرصه‌ای از جمله در عرصه اقتصادی و مالی از اهمیت بیشتری برخوردار است. یکی از مباحثی که در عرصه موضوع‌شناسی نیازمند بررسی متخصصانه و جامعی است، موضوع اقتصادی استصناع (سفارش ساخت) و اوراق آن در قلمرو فعالیت‌های اقتصادی و مالی می‌باشد.

فرایند به‌کارگیری آن، به این صورت است که به‌عنوان مثال فردی برای ساخت خانه‌اش با پیمانکار وارد مذاکره می‌شود و احياناً مبالغی را به صورت نقد یا به صورت چک مدت‌دار در ابتدا به او می‌دهد تا ساخت خانه را آغاز کند. سپس به تناسب پیشرفت کار یا مستقل از آن، بخش دیگری از مبالغ را به او پرداخت می‌کند و باقی‌مانده را پس از اتمام کار و اطمینان از اتمام آن به پیمانکار می‌دهد و بدین ترتیب عقد استصناع به پایان می‌رسد (نظریور و محمدی، ۱۳۹۰، ص ۳۷).

ضرورت به‌کارگیری آن در مالی اسلامی بر این اساس است که می‌توان با انتشار اوراق مبتنی بر عقد استصناع، علاوه بر تأمین کسری بودجه دولت و تأمین نیاز افراد ریسک‌گریز در سرمایه‌گذاری با جمع‌آوری نقدینگی و هدایت آنها به سمت سرمایه‌گذاری مولد، منجر به مهار تورم، ایجاد اشتغال و موازنه تجاری گردید (موسوی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۲۵۷). همچنین اوراق استصناع که به‌عنوان ابزاری برای تأمین سرمایه موردنیاز دولت، مؤسسات مالی و شرکت‌های تجاری مطرح می‌باشند، نظر موافق کارشناسان اقتصادی بر این اساس استوار است که از این ابزار برای ایجاد رونق

اقتصادی و انجام پروژه‌های بزرگ تولیدی و سازندگی در حوزه تجهیز و تخصیص منابع جهت پاسخ‌گویی به نیازهای اساسی بازار سرمایه جامعه امروزی و نیل به اهداف سند چشم‌انداز بیست ساله کشور استفاده گردد. در این تحقیق به روش توصیفی و تحلیل اسنادی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای در موضوع صکوک و اوراق استصناع پاسخ به این سؤال است که: صکوک و اوراق استصناع در بازارهای مالی در رویکرد موضوع‌شناسی چیست؟ در سؤال‌های فرعی آن به مزایا، ارکان، انواع و روش‌های به‌کارگیری آن اوراق در قلمرو مالی اسلامی و بانک‌داری بدون ربا، اشاره شده است؛ تا با روشن شدن این عناوین و استخراج سؤالات و استفتائات فقهی مستخرج از هر بخش، زمینه صدور حکم فقهی و فتوای منطبق بر موضوع از جانب مراجع معظم تقلید فراهم گردد.

تحقیقی که اختصاصاً با نگاه موضوع‌شناسانه به‌عنوان مقدمه‌ای برای صدور فتوا، اوراق استصناع را واکاوی کرده باشد، مشاهده نشد. اما در ارتباط با ماهیت و کاربردهای اوراق استصناع می‌توان به تحقیقات زیر اشاره کرد:

مقاله «اوراق بهادار استصناع؛ ابزاری برای سیاست پولی» (نظریور، ۱۳۸۴)، «صکوک استصناع» را به‌عنوان جایگزین اوراق قرضه معرفی کرده است.

مقاله «اوراق بهادار استصناع؛ مکمل بازار سرمایه ایران» (موسویان، ۱۳۸۶ الف)، در از اوراق استصناع به‌عنوان نوعی از ابزارهای مالی انتفاعی با نرخ بازدهی معین نام برده است.

مقاله «تأمین مالی طرح‌های اقتصادی از طریق اوراق استصناع» (کمیحانی و نظریور، ۱۳۸۶)، «صکوک استصناع» را به‌عنوان یک ابزار مالی معرفی کرده است.

مقاله «توسعه بازار سرمایه ایران و متنوع کردن ابزارهای موجود» (نظریور و خزائی، ۱۳۹۱)، صکوک استصناع را از ابزارهای مالی (مصوب شورای عالی بورس و اوراق بهادار) در چارچوب قانون عملیات بانکی بدون ربا نام برده است.

مقاله «طراحی و بررسی انواع صکوک استصناع قابل انتشار در بورس اوراق بهادار» (نظریور و خزائی، ۱۳۹۱ ب)، صکوک را به‌عنوان ابزاری مناسب برای تأمین مالی در بازار سرمایه معرفی کرده است.

مقاله «اوراق استصناع و تأمین مالی خرد در مناطق محروم»

اوراق یک ابزار مالی بدهی با نام یا بی‌نام است که برای مدت زمان معین و با نحوه پرداخت مشخص انتشار می‌یابد و دارندگان و خریداران این اوراق (بستان‌کاران) دارای طلب پولی در مقابل صادرکننده آن (بدهکار) می‌باشند (نظریور، ۱۳۸۷، ص ۱۸۰). همچنین این اوراق قابل معامله در بورس‌ها یا بازارهای خارج از بورس می‌باشد (موسویان و بازکاو، ۱۳۹۲، ص ۲۰۹-۲۴۴). ویژگی اصلی اوراق استصناع در مقایسه با سایر اوراق، معین بودن میزان سود در سررسید معین است، که توسط ناشر در ابتدای امر مشخص می‌شود. در این مدل، ناشر همان اوراق استصناعی را که از بانی به‌عنوان عوض قرارداد استصناع دریافت کرده است، در اختیار سرمایه‌گذاران قرار می‌دهد و آنها در مواعید مقرر می‌توانند با مراجعه به بانی، وجوه مقرر در اوراق استصناع را که همان ارزش اسمی اوراق است، دریافت کنند. واسط اوراق استصناع را به سرمایه‌گذاران زیر قیمت اسمی می‌فروشد و دارندگان اوراق در سررسید، مبلغ اسمی اوراق را از بانی دریافت می‌کنند و تفاوت ارزش اوراق در زمان خرید و ارائه به بانی، سود سرمایه‌گذاران را تشکیل می‌دهد (همان).

۲. مفاد و ماهیت استصناع در فقه اسلامی

گرچه عقد استصناع [از لحاظ سابقه بحث در تاریخ عقدی مستحدث نیست، بلکه از گذشته‌های دور وجود داشته است؛ ولی در ماهیت (نظریور و محمدی، ۱۳۹۰، ص ۳۷)، صحت و نوع آن اتفاق نظری وجود ندارد.

۳. استصناع به‌عنوان قرارداد مستقل

برخی استصناع را در مقابل بیع و اجاره، قرارداد مستقلی می‌دانند و معتقدند مفاد آن با بیع و اجاره یا ترکیب بیع و اجاره متفاوت است. به اعتقاد این گروه، عقد استصناع عقدی است که به موجب آن، سازنده متعهد می‌شود کالای خاصی را در مدت زمان معین ساخته و به سفارش‌دهنده تحویل دهد و سفارش‌دهنده نیز متعهد می‌شود در قبال آن، بهای مورد توافق را به سازنده بپردازد (هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۸، ص ۶).

۴. استصناع به‌عنوان بیع مستقل

اکثر فقهای حنفیه از اهل سنت، استصناع را نوع چهارم قرارداد بیع، در مقابل بیع نقد، نسبه و سلف می‌دانند. آنها می‌گویند مبیع در

(عیسوی و محمودی، ۱۳۹۴) به این نتیجه رسیده که اوراق استصناع ابزاری مناسب برای تأمین مالی خرد است.

ما در این تحقیق ضمن استفاده از نتایج و تحقیقات انجام گرفته، صرفاً مباحث موضوع‌شناختی اوراق استصناع را پی گرفته‌ایم. قابل ذکر است که در تحقیقات پیشین چون سعی بر آن بوده که اوراق استصناع به‌عنوان ابزاری جایگزین اوراق قرضه باشد، لذا ممکن است محققان به صورت ناخواسته تمایل به تصحیح فقهی عقد استصناع و اوراق داشته باشند. اما در تحقیق حاضر هدف فقط شناسایی ماهیت اوراق استصناع است و صدور حکم صحت و فساد به هیچ‌عنوان مدنظر نگارنده نیست. موضوع تحقیق در نوع خود جدید است؛ زیرا تحقیقی با این رویکرد در زمینه شناسایی و معرفی و تبیین ماهیت و بیان عرصه‌های کاربردی اوراق استصناع صورت نگرفته است.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. استصناع

از ریشه «صنع»، در لغت به معنی تقاضا کردن ساخت چیزی از دیگری (ابن‌منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۷، ص ۲۳۳)، و سفارش ساخت چیزی را می‌گویند (عمید، ۱۳۶۳). در اصطلاح استصناع یا قرارداد سفارش ساخت، قراردادی بین دو شخص حقیقی یا حقوقی مبنی بر تولید کالای خاص یا احداث طرح ویژه است که در آینده ساخته و قیمت آن نیز در زمان یا زمان‌های توافق‌شده به صورت نقد یا اقساط پرداخت شود (هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۸، ص ۳)؛ و استصناع خرید چیزی است به قیمت معین که طبق ویژگی‌های مورد توافق در زمان آینده ساخته یا احداث می‌شود. به بیان دیگر، موضوعی که عقد استصناع درباره آن منعقد می‌شود، غالباً در زمان عقد موجود نیست؛ ولی توسط سازنده یا پیمان‌کار در آینده ساخته می‌شود (زرقا، ۱۳۸۰، ص ۱۲۱). در واقع دستوری از ناحیه خریدار به فروشنده برای ساخته شدن کالایی مصنوع در آینده است که به هنگام انعقاد قرارداد وجود ندارد و به سفارش خریدار با اوصاف معین در آینده ساخته و تحویل می‌شود.

۱-۲. اوراق استصناع

اوراق بهاداری است که ناشر براساس قرارداد ساخت، منتشر می‌کند و برای تجمیع وجوه لازم جهت ساخت کالایی استفاده می‌شوند. این

دیگر انعطاف لازم برای صور و حالات مختلف استصناع را پوشش دهد، پیدا کرد. براین اساس با توجه به توسعه‌ای که در قرارداد صلح وجود دارد، پیشنهاد می‌شود: اشخاص، مؤسسات مالی و اعتباری، بانک‌ها، سازمان‌های دولتی و مؤسسات وابسته به دولت، مانند شهرداری‌ها، تمام سفارش‌های ساخت خود را در قالب قرارداد صلح تنظیم کنند (موسویان، ۱۳۸۶ ب، ص ۱۱).

۸. استصناع در قالب بیع یا سلم

از میان فقهای معاصر شیعه، آیت‌الله مؤمن بین انواع قراردادهای استصناع فرق گذاشته و معتقد است گاهی سفارش‌دهنده و سازنده پس از گفت‌وگو میان خود، قراردادی امضا می‌کنند که مطابق آن، سازنده مقداری از مصنوعات خود را به ازای قیمت مشخص به ملکیت سفارش‌دهنده درمی‌آورد و سفارش‌دهنده هم این ملکیت را می‌پذیرد. در این صورت، تملیک و تملک قطعی و بدون حالت انتظار صورت می‌گیرد. در این مورد تفاوتی بین این قرارداد و بیع ملاحظه نمی‌شود؛ جز اینکه کالای مورد معامله هنوز ساخته نشده و خریدار شرط کرده است که فروشنده آن را بسازد و تحویل دهد و انضمام این شرط باعث خارج شدن قرارداد از حقیقت بیع نمی‌شود. در این صورت باید تمامی شرایط صحت بیع، خواه شرایط خود عقد، خواه شرایط عوضین یا شرایط فروشنده یا خریدار را دارا باشد. پس اگر کالای مورد سفارش موضوعی مشخص باشد، نظیر سفارش ساخت کشتی مشخصی که مقداری از آن ساخته شده است؛ این سفارش در حقیقت فروختن یک کالای موجود است؛ مشروط بر اینکه مقدار باقی‌مانده به آن ضمیمه شود. این نوع معامله بیع شخصی است (مؤمن، ۱۳۷۶، ص ۲۰۷-۲۳۹). اما اگر کالای مورد سفارش امری کلی باشد، مصداق بیع سلم خواهد بود که طبق نظر مشهور فقیهان، تمام شرایط بیع سلم از جمله دریافت کل ثمن، باید موجود باشد (همان).

۹. استصناع و اوراق آن در مالی اسلامی

استصناع از آنجاکه جزو عقود مبادله‌ای بوده و دارای بازده ثابت است، برای جمع‌آوری سرمایه‌های هرچند کوچک افراد، به‌ویژه افراد ریسک‌گریز، که طیف زیادی از افراد جامعه را تشکیل می‌دهند؛ و با سوق دادن این سرمایه‌ها در اجرا یا تکمیل طرح‌های تولیدی

قرارداد استصناع کلی در ذمه سازنده نیست، بلکه میباید مشخص است؛ یعنی مشتری کالایی را که سازنده می‌سازد و کالایی واقعی است و به صورت مواد اولیه یا به صورت کلی در معین وجود خارجی متعین دارد، می‌خرد (هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۸، ص ۱۶). به این ترتیب تنها مذهب حنفی آن را به‌عنوان بیعی مستقل از سلم و سایر عقود، تصحیح کرده است (نظرپور و محمدی، ۱۳۹۰، ص ۳۷).

۵. استصناع به‌عنوان اجاره یا جعاله

برخی قرارداد استصناع را از مصادیق اجاره یا شبه اجاره، مانند جعاله می‌دانند. براساس این دیدگاه، مستصنع، سازنده را برای ساختن کالایی که بر آن توافق کرده‌اند، اجیر می‌کند و به مقتضای قرار داد، مستصنع مالک عمل (کار) سازنده شده و به تبع آن مالک حاصل کار (کالای ساخته‌شده) نیز خواهد بود (هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۸، ص ۱۷).

۶. استصناع از مصادیق بیع سلم

برخی از فقهای شیعه و فقهای شافعی، حنبلی و مالکی از اهل سنت، استصناع را از فروعات و مصادیق بیع سلف (سلم) می‌شمارند؛ یعنی سفارش‌دهنده کالای کلی‌ای را با اوصاف معینی از سازنده می‌خرد و سازنده متعهد می‌شود تا سررسید معین کالا را ساخته و تحویل دهد. این گروه از فقها تمام احکام و ضوابط بیع سلم را در استصناع جاری می‌دانند و به همین جهت معتقدند استصناع قراردادی لازم است و همانند سایر مصادیق سلم و با حفظ همه شرایط آن (سرخسی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۳۸). تنها فقهای مالکیه همانند سایر مصادیق سلم تأخیر در پرداخت تا سه روز را جایز می‌شمارند (ر.ک: زرقاء، ۱۳۸۰). به این ترتیب مذاهب مالکی، شافعی و حنبلی از مذاهب اهل سنت، عمدتاً در قالب عقد سلم با حفظ همه شرایط و ویژگی‌های آن را تصحیح کرده‌اند (نظرپور و محمدی، ۱۳۹۰، ص ۳۷).

۷. استصناع در قالب قرارداد صلح

با توجه به اهمیت و کاربرد استصناع در اقتصاد معاصر که بخش مهمی از کالاها و طرح‌های عمرانی و خدماتی به صورت سفارش ساخت انجام می‌گیرد و با توجه به اختلاف‌نظرهای شدید که در ماهیت قرارداد استصناع هست؛ برای حل مسئله بایستی از قراردادی که از یک طرف مورد توافق فقهای شیعه بوده و از طرف

اوراق بهادار، نظیر اوراق سهام یا اوراق استصناع را در بازار ثانویه عرضه کرده، وجوه مورد نیاز خود را به‌دست آورند.

۱۰. اوراق استصناع در میان ابزارهای مالی

در دهه‌های اخیر، تلاش‌های زیادی برای معرفی ابزارهای مالی در بازارهای مالی اسلامی صورت گرفته است. در همه کشورهای به‌ویژه در کشورهای جهان سوم که بخش بزرگی از مردم درآمدهای متوسط یا زیر متوسط دارند، این بازارها می‌توانند سرمایه‌های مردم را جمع و صرف سرمایه‌گذاری در امور زیربنایی کنند و در عین حال فرصت سیاست‌گذاری برای بانک مرکزی کشورها جهت کنترل نقدینگی را فراهم آورند. طبیعی است هرچه بازارهای مالی در سطح کشور گسترده‌تر و فراگیرتر باشد و از نظر کیفی نیز شفافیت مناسب‌تر و از ابزارهای لازم و تخصص و نوآوری‌های مطلوب‌تری برخوردار باشند، توان جذب بیشتر سرمایه را خواهد داشت و کارایی نیز افزایش خواهد یافت.

متفکران مسلمان با رعایت ضوابط و مقررات شرعی و متناسب با نیازهای واقعی جوامع اسلامی، انواعی از ابزارهای مالی را طراحی کرده‌اند (صبری‌هارون، ۱۹۹۹، ص ۳۰۶). این ابزارها که برخی بیش از ده سال تجربه علمی دارد و برخی در حد فکر و ایده است، به سه گروه عمده تقسیم می‌شوند: گروه نخست ابزارهای مالی غیرانتفاعی هستند که براساس قراردادهای خیرخواهانه اسلامی چون قرض الحسنه و وقف طراحی شده‌اند؛ گروه دوم ابزارهای مالی انتفاعی با نرخ‌های سود انتظاری هستند که براساس قراردادهای مشارکتی، چون شرکت، مضاربه، مزارعه و مساقات طراحی شده‌اند؛ گروه سوم ابزارهای مالی انتفاعی با نرخ‌های سود معین هستند که بر اساس قراردادهایی چون مرابحه، اجاره و استصناع طراحی شده‌اند (موسویان، ۱۳۸۶، ص ۱۱). ابزارهای مالی گروه سوم در بازارهای مالی به سرعت در حال گسترش است و به دلیل اینکه مبتنی بر دارایی (اعم از عین و دین) هستند، از ریسک بالایی برخوردارند، که این ریسک از تأمین‌کنندگان وجوه نقدی به سرمایه‌گذاران در نظام مالی اسلامی منتقل می‌شود (سویلیم، ۱۳۸۶، ص ۲۴).

در این گروه اوراق بهادار استصناع یا صکوک استصناع از ابزارهای گسترش کمی و کیفی بازار سرمایه در کشورهای اسلامی است (نظریور، ۱۳۹۲، ص ۱۵)، و از نوع ابزارهای مالی انتفاعی

می‌تواند تأثیر چشم‌گیری داشته باشد (عیسوی و محمودی، ۱۳۹۴، ص ۸۹). عقد استصناع می‌تواند براساس ماهیت ذاتی خود، پاسخ‌گوی سلیقه‌های متنوع افراد، بنگاه‌های اقتصادی، تولیدی و بخش‌های دولتی و عمومی در احداث طرح‌ها و پروژه‌های خرد و کلان، قرار گیرد و جایگزین مناسبی برای عقود مورد استفاده، مانند: سلم، جعاله، مشارکت مدنی، در تخصیص منابع بانک‌ها در نظام بانکی کشور باشد (موسوی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۲۵۷).

اوراق استصناع از اوراق بهاداری است که علاوه بر بازار اولیه که در آن اوراق توسط واسطه‌منتشر می‌گردد، بازار ثانویه‌ای نیز به‌وجود خواهد آمد تا دارندگان اوراق در صورت نیاز به ارزش اوراق در آن زمان، بتوانند با فروش اوراق، به سرمایه خود دست یابند و همچنین چنانچه افرادی بخواهند در قالب این اوراق سرمایه‌گذاری کنند، با خرید آن به مقصود خود برسند (موسویان و بازوکار، ۱۳۹۲، ص ۲۰۹-۲۴۴).

اوراق استصناع با معین بودن میزان سود در سررسید معین، که توسط ناشر در ابتدای امر مشخص می‌شود، در اختیار سرمایه‌گذاران قرار می‌گیرد و آنها در مواعد مقرر می‌توانند با مراجعه به بانی، وجوه مقرر در اوراق استصناع را که همان ارزش اسمی اوراق است، دریافت کنند. واسطه اوراق استصناع را به سرمایه‌گذاران زیر قیمت اسمی می‌فروشد و دارندگان اوراق در سررسید، مبلغ اسمی اوراق را از بانی دریافت می‌کنند و تفاوت ارزش اوراق در زمان خرید و ارائه به بانی، سود سرمایه‌گذاران را تشکیل می‌دهد (همان).

ظهور و گسترش اوراق استصناع در مجموعه اسناد و اوراق بهادار می‌تواند علاوه بر تأمین مالی طرح - اعم از دولتی و خصوصی - بر رونق بازار بورس بیفزاید و زمینه‌های کارآمدی بیشتر آن را فراهم سازد. اساساً بازار ثانویه پررونق موجب گسترش و کارایی مطلوب بازار اولیه شده، و رغبت اشخاص حقیقی و حقوقی را برای ورود به بازار بورس و سرمایه‌گذاری در آن بیشتر می‌کند (نظریور، ۱۳۸۵).

هدف از انتشار اوراق بهادار و صکوک استصناع در سازمان بورس، فراهم کردن شرایط لازم جهت تأمین مالی فعالیت‌های پیمانکاری است و پیمانکاران و کارفرمایان با استفاده از این اوراق می‌توانند منابع مالی خود را تأمین کنند.

بنابراین می‌توان گفت دارندگان وجوه اندک اوراق استصناع هرگاه به نقدکردن وجوه خود نیاز داشته باشند، یا احساس کنند سرمایه‌گذاری در زمینه دیگر اقتصادی، سودآورتر است، می‌توانند

ب. اگر جعاله، همان‌گونه که در قانون عملیات بانکی بدون ربا ذکر شده، عقد قلمداد شود، آن‌گاه استصناع به‌ویژه در موارد ساخت طرح‌ها و پروژه‌های گوناگون اقتصادی (که هدف، انجام طرح با خصوصیات ویژه‌ای است که از قبل اعلام می‌شود) می‌تواند مصداق روشنی از جعاله باشد. در این رابطه مناسب بود در آیین‌نامه پیشنهادی و یا پیوست‌های آن، به نقاط افتراق عقد استصناع با جعاله اشاره می‌شد (همان).

ج. براساس آیین‌نامه موجود، در صورت عدم ایفای تعهد از طرف سفارش‌پذیر در موعد مقرر، خسارت وارده به سفارش‌دهنده باید توسط بانک جبران شود، حال سؤال این است که آیا حتی در صورتی که بانک در این زمینه قصور یا تقصیری نداشته باشد، باید همچنان ملزم به جبران خسارت باشد؟ (همان).
در نهایت براساس نظر کارشناسان، بانک‌های اسلامی می‌توانند برخی از وجوه سرمایه‌گذاری خودشان را در استصناع به کارگیرند؛ اما به دلیل طبیعت بلندمدت این شکل از تأمین مالی، بعید است که در یک مقیاس وسیع به این کار اقدام کنند (زرقا، ۱۳۸۰، ص ۱۲۸). لذا استصناع می‌تواند برای وجوه پولی تکافل، که یک جایگزین اسلامی برای بیمه عمر است، جایگاه مناسبی باشد؛ زیرا این وجوه با سرمایه‌گذاری بلندمدت سازگار است (همان).

۱۲. اجزاء، ارکان و انواع اوراق استصناع

۱۲-۱. اجزاء ورقه استصناع

اوراق یا صکوک استصناع می‌تواند توسط دولت یا بخش عمومی یا بخش خصوصی در ابتدا انتشار یابد. این اوراق یک ابزار مالی بدهی با نام یا بی‌نام است که برای مدت زمان معین و با نحوه پرداخت مشخص انتشار می‌یابد و دارندگان و خریداران این اوراق (بستانکاران) دارای طلب پولی در مقابل صادرکننده آن (بدهکار) می‌باشند (نظریور، ۱۳۸۷، ص ۱۸۰).

اجزاء منتسب به آن عبارتند از:

قیمت اسمی: قیمتی که بر روی برگه استصناع درج می‌شود، قیمت اسمی این اوراق در زمان سررسید است.

مدت: سررسید این اوراق می‌تواند به صورت کوتاه مدت (با سررسید حداکثر ۴ ساله) و میان مدت (با سررسید بین ۴ تا ۸ سال) و بلندمدت (با سررسید بیش از ۸ سال) منتشر شود.

با نرخ بازدهی معین محسوب می‌شود و مورد استقبال افراد ریسک‌گریز و متعارف قرار دارد. این ابزار افزون بر توسعه سرمایه‌گذاری، وسیله مناسبی برای سیاست مالی و پولی نیز محسوب شده و برای بازار سرمایه ایران که با کمبود ابزارهای مالی متنوع مواجه است، مکمل خوبی است (موسویان، ۱۳۸۶، ص ۱۱).

۱۱. استصناع و اوراق آن در بانکداری بدون ربا

بانکداری بدون ربا در ایران در بیش از ربع قرن فعالیت خود توانسته به پیشرفت‌های مناسبی در حوزه طراحی ابزارهای مالی اسلامی دست یابد. اما به هر حال ضرورت توسعه و تعمیق ابزارهای مالی اسلامی در کشور، متناسب با گذشت زمان و به وجود آمدن نیازهای جدید، امری اجتناب‌ناپذیر است (میثمی، ۱۳۹۱، ص ۸۵-۸۷). براین اساس با توجه به جدید بودن این عقود و با توجه به این مطلب که عقود مذکور می‌توانند کاربردهای وسیعی در شبکه بانکی داشته باشند؛ بانک مرکزی در سال ۱۳۹۰ دستورالعمل اجرایی استفاده از سه عقد مباحه، استصناع و خرید دین را به تمامی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری ابلاغ کرد (میثمی، ۱۳۹۱، ص ۸۵-۸۷). این امر برای جلوگیری از صوری شدن قراردادهای به‌عنوان ابزار مالی جدید در شبکه بانکی کشور صورت گرفت (موسوی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۲۵۷).

براساس دستورالعمل اجرایی عقد استصناع در شبکه بانکی (میثمی، ۱۳۹۱، ص ۸۵-۸۷)، می‌توان ملاحظات ذیل را مطرح کرد:

الف. براساس آیین‌نامه موجود، استصناع به صورت موازی در شبکه بانکی اجرا می‌شود. بدین معنا که ابتدا استصناع اول منعقد می‌شود و پس از آن استصناع دوم. استصناع اول عقدی است که بین مشتری و بانک منعقد گردیده و به موجب آن بانک متعهد می‌شود. در قبال دریافت مبلغ قرارداد و طبق شرایط مندرج در آن، کالا یا طرح موردنظر را در دوره زمانی معین به مشتری تحویل دهد. اما استصناع دوم عقدی است که پس از درخواست مشتری، بین بانک و سازنده منعقد می‌شود و به موجب آن سازنده متعهد می‌شود. در قبال دریافت مبلغ قرارداد و طبق شرایط مندرج در آن، کالا یا طرح موردنظر را در دوره زمانی معین به بانک یا نماینده آن تحویل دهد. در این رابطه مناسب بود در آیین‌نامه‌های ابلاغی توجه بیشتری بر جلوگیری از صوری شدن اجرای عقود مصوب می‌شد (میثمی، ۱۳۹۱، ص ۸۵-۸۷).

۹۷/۸۳ قانون برنامه پنجم توسعه، دستورالعمل اجرایی انتشار صکوک ریالی و ارزی استصناع را که در مورخ ۱۳۹۱/۳/۲ به تصویب شورای پول و اعتبار رسید، ابلاغ کرد. اوراق استصناع به چهار صورت زیر قابل انتشار می‌باشند:

۱. اوراق عادی استصناع؛ ۲. اوراق استصناع قابل تبدیل به اوراق سهام؛ ۳. اوراق استصناع توأم با اوراق حق اختیار معامله؛ ۴. اوراق استصناع تبدیل‌پذیر معکوس (نظرپور، ۱۳۸۵).

دارندگان اوراق استصناع نوع اول در صورت انتظار تا زمان سررسید، تنها می‌توانند مبلغ درج شده بر این اوراق را از انتشاردهنده آن دریافت کنند؛ ولی دارندگان اوراق نوع دوم، علاوه بر آن، حق تبدیل اوراق را در زمان سررسید و با نرخ تبدیل معین به سهام آن شرکت و یا سایر اوراق منتشرشده از سوی آن شرکت یا حتی دارایی‌های مربوط را دارا می‌باشند. طبق قانون، هنگام تبدیل اوراق به سهام و یا دارایی، هزینه انتقال و همچنین بهای حق تقدم می‌تواند بر عهده دارنده این اوراق باشد. همچنین در اوراق نوع سوم، دارنده اوراق، دارای حق تحصیل سهم یا سایر دارایی‌های تجاری است. این حقوق، در قالب برگه حق اختیار معامله به دارنده اوراق داده می‌شود و به‌طور جداگانه قابل معامله است (موسوی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۲۵۷).

ماهیت اوراق حق اختیار معامله، بدین شکل است که سرمایه‌گذار - که انتظار افزایش سهام خاصی را در آینده دارد - می‌تواند اختیار خرید سهام را خریداری کند؛ به این معنا که اختیار پیدا کند که ظرف مدت معینی حق خرید تعداد سهام معینی را با قیمت مشخص داشته باشد و چنانچه انتظار کاهش قیمت سهام خاصی را داشته باشد، می‌تواند اختیار فروش سهام مزبور را خریداری کند. اختیار خرید یا فروش به ترتیب مذکور با پرداخت مبلغی به‌عنوان هزینه انتخاب به‌دست می‌آید.

اوراق حق اختیار معامله، طبق قرارداد ممکن است تبدیل به سهام گردد و به‌طور نقدی نیز قابل تسویه باشد؛ اما اوراق استصناع قبل از سررسید توسط ناشر، قابل تبدیل نیست و فقط در زمان سررسید، قابلیت دریافت تمام مبلغ اسمی را دارا می‌باشد. در نتیجه اوراق استصناع نوع سوم ابزار مالی ویژه‌ای است که دارای سه ارزش متفاوت از هم می‌باشد، که عبارتند از: ارزش اوراق استصناع همراه با حق اختیار معامله؛ ارزش اوراق استصناع بدون حق اختیار معامله؛ و ارزش حق اختیار معامله (نظرپور، ۱۳۸۵).

انتشاردهنده: این اوراق با مجوز دولت و بانک مرکزی توسط وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و غیردولتی برای اجرا یا تکمیل طرح‌های صنعتی و کشاورزی و حتی خدماتی قابلیت انتشار دارد.

تضمین: برای اطمینان از دریافت مبلغ اسمی در زمان سررسید، لازم است با اخذ وثیقه‌های لازم، مراجع معتبری نظیر وزارت اقتصاد و دارایی این مبالغ را تضمین کند (نظرپور، ۱۳۸۵، ص ۶۱).

بازدهی و سود این اوراق: این اوراق فاقد بهره است و به دارنده آن مبلغی به‌عنوان بهره تعلق نمی‌گیرد و بسته به زمان سررسید و فاصله بین زمان خرید و سررسید، این اوراق را کمتر از مبلغ اسمی آن خریداری می‌کنند. میزان تنزیل این اوراق هرچه زمان خرید به زمان سررسید نزدیک می‌شود، به سمت صفر میل می‌کند (اوراق با سررسید دورتر با نرخ تنزیل بالاتر خریداری می‌شوند).

در تمه بحث اجزاء عقد استصناع اعتبار یا عدم اعتبار خیارهای مختلف در این رابطه است؛ زیرا از دیدگاه کارشناسان، با توجه به مؤجل بودن مبیع و ثمن در عقد استصناع به غیر از خیار مجلس، سایر خیارهای خاص عقد بیع در این عقد جریان نمی‌یابند. در خصوص سایر خیارها نیز به نظر می‌رسد به غیر از خیارهای تخلف از رؤیت، تخلف از وصف و عیب که در عقد استصناع جاری نمی‌شوند و همچنین خیار تبعض صفقه که باید در امکان حدوث آن قائل به تفکیک گردید؛ امکان جریان سایر خیارها در عقد استصناع، با توجه به ماهیت عقلایی و عام این خیارها، وجود دارد و طرفین معامله در ضمن قرارداد یا پس از آن می‌توانند آنها را ساقط کنند (موسوی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۲۵۷).

۱۲-۲. ارکان اوراق استصناع

در طراحی اوراق استصناع، عناصر متعددی حضور دارند که از آنها به‌عنوان «ارکان استصناع» یاد می‌شود و آنها عبارتند از: بانی، تولیدکنندگان یا سازندگان کالا، سرمایه‌گذاران (دارندگان اوراق استصناع) و ناشر (واسط) (عیسوی و محمودی، ۱۳۹۴، ص ۸۹) که در قسمت مفهوم‌شناسی تعریف شده است.

۱۲-۳. انواع اوراق استصناع

شیوه‌های گوناگونی برای انتشار اوراق استصناع قابل ترسیم می‌باشد. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران نیز به استناد مواد

است و بسته به قیمت اوراق، سهام متغیر خواهد بود؛ در نتیجه حداکثر بازدهی آن، بازدهی حاصل از تفاوت قیمت خرید و قیمت سررسید می‌باشد و از این جهت مانند اوراق عادی استصناع است؛ ولی ممکن است در صورتی که قیمت سهام کاهش یابد، بازدهی آن اوراق نیز متناسب با آن کاهش یابد. این ویژگی در این اوراق سبب می‌شود، در ابتدا که سفارش‌دهنده این اوراق را به پیمانکار می‌دهد، تفاوت قیمت نقدی اجرای طرح و مبالغ درج‌شده در زمان سررسید، بیشتر از انواع دیگر اوراق استصناع باشد؛ زیرا این احتمال وجود دارد قیمت سهام در زمان سررسید کاهش یابد و انتشاردهنده آن به‌جای پول نقد، معادل قیمت سررسید، سهام را به دارنده اوراق تحویل دهد؛ به‌طوری‌که با افزایش خطر، بازدهی هم باید افزایش یابد و این افزایش بازدهی، خود را در مراحل بعدی به صورت افزایش نرخ تنزیل بیشتر نشان می‌دهد؛ به این معنا که قیمت این اوراق، نسبت به سایر انواع اوراق، با حفظ سایر شرایط باید پایین‌تر باشد (همان).

۱۳. روش‌های به‌کارگیری اوراق استصناع

روش‌های به‌کارگیری اوراق استصناع بسته به نیازهای هریک از سازندگان و سرمایه‌گذاران مختلف است. چنان‌که وزارتخانه‌ها، شهرداری‌ها، شرکت‌های دولتی و بخش خصوصی برای تأمین مالی طرح‌های عمرانی و توسعه‌ای می‌توانند از طریق استصناع اقدام کنند و این به دو روش قابل اجراست (نظرپور، ۱۳۸۴).

۱۳-۱. استصناع مستقیم

در این روش سفارش‌دهنده که درصد احداث پروژه خاصی است و اعتبار مالی لازم برای انجام آن را ندارد، با تشکیل یک مؤسسه مالی موقتی تأمین مالی و اجرای پروژه را از طریق قرارداد استصناع به آن می‌سپارد و به جای قیمت آن، اوراق بهادار استصناع با سررسیدهای معین می‌پردازد. مؤسسه مالی نیز طبق قرارداد استصناع دومی، ساخت پروژه موردنظر را به پیمانکار (سازنده) مربوطه سفارش می‌دهد و در مقابل متعهد می‌شود قیمت پروژه را طبق زمان‌بندی مشخص به سازنده بپردازد؛ مؤسسه مالی اوراق بهادار استصناع اول را از طریق شرکت تأمین سرمایه یا از طریق بانک به مردم می‌فروشد (تنزیل می‌کند) و بدهی خود به پیمانکار را می‌پردازد.

در اوراق استصناع نوع چهارم، موضوع به‌گونه‌ای دیگر است. در این اوراق، حق خرید سهام در اختیار دارنده این اوراق قرار نمی‌گیرد؛ بلکه انتشاردهنده اوراق مخیر است در زمان سررسید در برابر تحویل اوراق و پرداخت مبلغ اسمی (مبلغ مندرج در آن)، تعداد از پیش تعیین‌شده سهام را تحویل دارنده اوراق بدهد. انتخاب انتشاردهنده، بین پرداخت نقدی یا تحویل تعدادی سهام به عملکرد سهام و در نتیجه چگونگی میزان قیمت، در زمان سررسید بستگی دارد. در این‌گونه اوراق، اگر قیمت سهم در تاریخ مقرر پایین‌تر (یا بالاتر) از آستانه تحویل سهام قرار گیرد، انتشاردهنده، سهام را به دارنده اوراق تحویل می‌دهد (یا نمی‌دهد) و اگر قیمت سهام مساوی با قیمت آستانه تحویل باشد، نسبت به تحویل یا عدم تحویل سهام بی‌تفاوت است (همان).

در اوراق استصناع هیچ‌نرخ‌ی حتی نرخ بهره، بر روی اوراق استصناع درج نمی‌گردد و تنها ارزش اسمی آن در زمان سررسید، تاریخ سررسید و ناشر آن بر روی این اوراق ذکر می‌شود و به دارنده آن هیچ مبلغ ثابت یا متغیری تحت عنوان بهره تعلق نمی‌گیرد. افرادی که اوراق نوع اول را خریداری می‌کنند، بسته به زمان سررسید و فاصله بین خرید و سررسید، این اوراق را کمتر از مبلغ اسمی آن خریداری می‌کنند؛ به این معنا که این اوراق را با تنزیل مبلغ اسمی دریافت و میزان سود متعلق به این اوراق، محدود به اختلاف قیمت فروش و مبلغ اسمی درج‌شده بر این اوراق است. میزان تنزیل این اوراق بدین‌گونه است که هرچه زمان خرید به زمان سررسید نزدیک می‌شود، میزان تنزیل به سمت صفر مایل می‌شود. سود دارندگان اوراق نوع دوم و سوم متفاوت با سود حاصل از اوراق نوع اول است. زیرا علاوه بر سود حاصل از اختلاف قیمت بین مبلغ فروش و مبلغ اسمی، سود حاصل از امتیاز دریافت حق تقدم اوراق سهام در زمان معین را در اختیار خواهند گرفت؛ به این معنا که از همان ابتدا که سفارش‌دهنده این اوراق را به پیمانکار می‌دهد، تفاوت نقدی قیمت اجرای طرح و مبالغ درج‌شده بر این اوراق کمتر از صورتی است که سفارش‌دهنده بخواهد به پیمانکار اوراق استصناع عادی بدهد.

بازدهی و سود اوراق استصناع نوع چهارم با واریانس بیشتری (انحراف معیار استاندارد به این معنا است که چقدر از حد نرمال یا میانگین، فاصله وجود دارد) نسبت به سایر اوراق استصناع، همراه

استفاده از قرارداد استصناع موازی زمانی اتفاق می‌افتد که طرح چنان بزرگ است که یک پیمانکار توان انجام آن را ندارد؛ در این موارد سفارش‌دهندگان می‌توانند از طریق نهاد مالی یا بانک اقدام کنند، برای مثال وزارتخانه‌ای، احداث پروژه خاصی (مثل ساخت فرودگاه بین‌المللی) را طبق قرارداد استصناع از یک نهاد مالی یا بانک می‌خواهد؛ نهاد مالی یا بانک متعهد می‌شود در قبال مبلغ مشخصی که در طول زمان بندی معین دریافت کرده‌اند، پروژه را تا سه سال ساخته و تحویل دهد، سپس نهاد مالی یا بانک آن پروژه را در قالب پروژه‌های کوچک‌تر تعریف کرده با چند پیمانکار قرارداد استصناع می‌بندد (اشعریون قمی‌زاده و ریاحی، ۱۳۹۳، ص ۱۶۱-۱۸۹). در این روش نیز وزارتخانه مربوطه به تناسب پیشرفت پروژه اوراق بهادار استصناع را که به تناسب قرارداد، دارای سررسیدهای معین هستند در اختیار نهاد مالی یا بانک قرار می‌دهد و بانک آنها را در بازار ثانوی به مردم فروخته و بدهی خود را به پیمانکاران می‌پردازد (نظریور، ۱۳۸۴).

«استصناع موازی»، از طریق دو قرارداد مستقل و جداگانه تحقق می‌یابد. مؤسسات مالی کشورهای اسلامی با استفاده از این دو قرارداد، نقش عمده‌ای را در تأمین منابع مالی مشترکین خود ایفا می‌کنند. توضیح آنکه در قرارداد اولیه، بانک در مقام تولیدکننده قراردادی را با مشتری منعقد کرده و در قرارداد ثانوی (استصناع موازی)، بانک به‌عنوان خریدار نهایی قراردادی را با تولیدکننده منعقد می‌کند. انعقاد قرارداد ثانوی یا موازی برای انجام تعهدات مؤسسات مالی در قبال مشتری در قرارداد اولیه است (موسویان و بازوکار، ۱۳۹۲، ص ۲۰۹-۲۴۴).

۱۳-۱-۳. فرایند اوراق استصناع موازی

مدل عملیاتی اوراق استصناع موازی عبارت از مراحل زیر است:

۱. بانی (به‌عنوان مثال وزارت مسکن و شهرسازی) با انتخاب پروژه، طرح احداث و واگذاری ۱۰۰۰ واحد مسکونی را در قالب امیڈنامه تنظیم و با مؤسسه‌آمین معتبری برای انتخاب مؤسسه‌ واسط جهت اجرای طرح مذاکره می‌کند.
۲. مؤسسه‌آمین با قبول طرح احداث و واگذاری واحدهای مسکونی و پذیرش مسئولیت نظارت از طرف صاحبان اوراق با همکاری وزارت مسکن و شهرسازی، مؤسسه‌ واسط را انتخاب یا تأسیس می‌کند.

۱۳-۱-۱. فرایند عملیاتی استصناع مستقیم و روابط حقوقی آن

۱. مؤسسه مالی، مطابق قرارداد استصناع اول متعهد می‌شود پروژه خاصی را [برای سفارش دهنده] در مقابل مبلغ معینی احداث کند؛
۲. مؤسسه مالی با پیمانکار قرارداد استصناع دوم را منعقد می‌کند؛
۳. سفارش‌دهنده معادل بهای پروژه، اوراق استصناع به مؤسسه مالی می‌پردازد؛
۴. مؤسسه مالی اوراق استصناع را در اختیار شرکت تأمین سرمایه می‌گذارد؛
۵. شرکت تأمین سرمایه با فروش اوراق، وجوه مردم را جمع‌آوری می‌کند؛
۷. شرکت تأمین سرمایه قیمت اوراق را به مؤسسه مالی می‌پردازد؛
۸. مؤسسه مالی از محل فروش اوراق، بدهی خود به پیمانکار را [در قبال دریافت اوراق استصناع] می‌پردازد؛
۹. سفارش‌دهنده در سررسید، مبلغ اسمی اوراق را به شرکت تأمین سرمایه می‌دهد؛
۱۰. شرکت تأمین سرمایه مبلغ اسمی اوراق را [در سررسید] به سرمایه‌گذاران می‌دهد؛
۱۱. مؤسسه اعتبارسنجی که به پیشنهاد مؤسسه مالی و با تأیید سازمان بورس و اوراق بهادار یا بانک مرکزی تعیین می‌شود اعتبار سفارش‌دهنده، اعتبار مؤسسه مالی و نرخ‌های قرارداد را کنترل و رتبه آنها را اعلان می‌کند؛
۱۲. مؤسسه آمین که به پیشنهاد مؤسسه مالی و تأیید سازمان بورس یا بانک مرکزی تعیین می‌شود بر فرایند انتشار اوراق از ابتدا تا انتها نظارت می‌کند (موسویان، ۱۳۸۶ الف).

۱۳-۱-۲. استصناع غیرمستقیم یا موازی

اوراق استصناع موازی، یکی از انواع روش‌های تأمین مالی است که به سبب داشتن سود ثابت در سررسید برای سرمایه‌گذاران جذابیت بالایی دارد (موسویان و بازوکار، ۱۳۹۲، ص ۲۰۹-۲۴۴). در جریان انتشار اوراق استصناع موازی دو قرارداد استصناع منعقد می‌گردد؛ این قراردادها از حیث ماهیت قراردادی مستقل از سایر عقود معین بوده و براساس ماده‌ی ۱۰ قانون مدنی و اصل آزادی قراردادی قابل تحلیل هستند (همان).

با پیشرفت پروژه، اوراق بهادار استصناع می‌پردازد. استصناع از جهت سابقه بحث تاریخی عقدی مستحدث نیست؛ ولی در ماهیت، صحت و نوع آن اتفاق نظری وجود ندارد.

استصناع به‌عنوان قرارداد مستقل، بیع مستقل، اجاره یا جعاله و از مصادیق بیع سلم و در قالب قراردادهای صلح، بیع یا سلم می‌باشد. استصناع از آنجاکه جزو عقود مبادله‌ای بوده و دارای بازده ثابت است، برای جمع‌آوری سرمایه‌های هرچند کوچک افراد، به‌ویژه افراد ریسک‌گریز، و با سوق دادن این سرمایه‌ها در اجرا یا تکمیل طرح‌های تولیدی، می‌تواند تأثیر چشم‌گیری داشته باشد.

اوراق بهادار استصناع یا صکوک استصناع از ابزارهای گسترش کمی و کیفی بازار سرمایه در کشورهای اسلامی است. ویژگی اصلی اوراق استصناع در مقایسه با سایر اوراق، معین بودن میزان سود در سررسید معین است که توسط ناشر در ابتدای امر مشخص می‌شود. ظهور و گسترش اوراق استصناع در مجموعه اسناد و اوراق بهادار می‌تواند علاوه بر تأمین مالی طرح - اعم از دولتی و خصوصی - بر رونق بازار بورس بیفزاید و زمینه‌های کارآمدی بیشتر آن را فراهم سازد.

با توجه به جدید بودن عقد استصناع در نظام مالی و بانکی جمهوری اسلامی ایران و با توجه به مزیت قابل توجه انتشار اوراق استصناع و کاربردهای وسیع آن در شبکه بانکی، دولت می‌تواند بخشی از طرح‌های خود را از طریق انتشار این اوراق تأمین مالی کند؛ طرح‌هایی که در صورت عدم انتشار این اوراق قادر به تأمین مالی آنها نیست.

همچنین بانک‌ها می‌توانند با تأمین مالی مبتنی بر عقد استصناع در طرح‌های خصوصی، دولتی و بخش‌های عمومی غیردولتی، علاوه بر دستیابی به سود مناسب، اسباب ایجاد طرح‌های کوچک و بزرگ خصوصی و عمومی، احیاء و اکتشاف معادن و تولید کالاهای صنعتی خاص که در بازار موجود نمی‌باشد را فراهم سازند.

روش‌های به‌کارگیری اوراق استصناع بسته به نیازهای هریک از سازندگان و سرمایه‌گذاران مختلف است. چنان‌که وزارتخانه‌ها، شهرداری‌ها، شرکت‌های دولتی و بخش خصوصی برای تأمین مالی طرح‌های عمرانی و توسعه‌ای می‌توانند از طریق استصناع اقدام کنند و این به دو روش استصناع مستقیم و استصناع غیرمستقیم یا موازی می‌پردازد.

«استصناع موازی» از طریق دو قرارداد مستقل و جداگانه تحقق

۳. بانی (وزارت مسکن و شهرسازی)، درخواست خود را برای احداث طرح به‌وسیله مؤسسه واسط در قالب قرارداد استصناع و در برابر دریافت اجرت معین اعلام و واسط را در جایگاه صانع (سازنده) در احداث واحدهای مسکونی تعیین می‌کند.

۴. مؤسسه واسط اسناد لازم اعم از امیدنامه و قرارداد بین واسط و بانی را جهت گرفتن رتبه اعتباری در اختیار مؤسسه رتبه‌بندی اعتبار قرار می‌دهد و مؤسسه رتبه‌بندی، با توجه به اعتبار بانی و اعتبار طرح احداث و واگذاری پروژه موردنظر، رتبه اعتباری اوراق استصناع را تعیین می‌کند.

۵. شرکت واسط با کسب موافقت سازمان بورس و اوراق بهادار، اوراق استصناع را از طریق شرکت تأمین سرمایه در اختیار سرمایه‌گذاران مالی می‌گذارد.

۶. این شرکت با واگذاری اوراق استصناع، وجوه سرمایه‌گذاران را جمع‌آوری می‌کند.

۷. شرکت واسط با پیمانکار وارد قرارداد استصناع دوم (به اصطلاح قرارداد استصناع موازی) می‌شود و به تدریج با انجام هر مرحله از طرح، اجرت مشخص شده را به وی (آنان) پرداخت می‌کند.

۸. پیمانکار با اتمام پروژه آن را در اختیار بانی (وزارت مسکن و شهرسازی) قرار می‌دهد.

۹. بانی، پروژه را به صورت فروش اقساطی به متقاضیان مسکن واگذار می‌کند.

۱۰. بانی، از محل اقساط قرارداد فروش اقساطی که به صورت مرتب از خریداران مسکن دریافت می‌کند بدهی خود به واسط را می‌پردازد.

۱۱. شرکت واسط پس از کسر حق الزحمه خود، شرکت تأمین سرمایه، شرکت رتبه‌بندی اعتبار و مؤسسه امین مابقی اقساط را از طریق شرکت تأمین سرمایه به صاحبان اوراق می‌پردازد (موسویان و بازوکار، ۱۳۹۲، ص ۲۰۹-۲۴۴).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

استصناع دستوری از ناحیه خریدار به فروشنده برای ساخته شدن کالایی مصنوع در آینده است و طبق قرارداد استصناع، سفارش‌دهنده ساخت پروژه را به سازنده (پیمانکار) سفارش می‌دهند و در مقابل متعهد می‌شوند بهای پروژه را طبق زمان‌بندی مشخص به سازنده بپردازند. در این روش سفارش‌دهنده به جای پرداخت پول، متناسب

بانکداری اسلامی: ماهیت، قابلیت‌ها و چالش‌های موجود»، *تازه‌های اقتصاد*، ش ۱۳۵، ص ۸۷-۸۵

نظرپور، محمدنقی، ۱۳۸۴، «اوراق بهادار استصناع ابزاری برای سیاست پولی»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۲۰، ص ۸۱-۱۱۰.

_____، ۱۳۸۵، «عملیات بازار باز از طریق اوراق استصناع؛ مشکلات و راه‌حل‌ها»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۲۲.

نظرپور، محمدنقی، ۱۳۸۷، *ماهیت فقهی و کارکرد بانکی عقد استصناع و معرفی اوراق استصناع ابزاری برای سیاست مالی و پولی*، رساله دکتری، رشته اقتصاد، قم، دانشگاه مفید.

نظرپور، محمدنقی و مرتضی محمدی، ۱۳۹۰، «صحت یا فساد عقد استصناع؛ دیدگاه فقهای امامیه، مذاهب اربعه و حقوق ایران»، *حقوق اسلامی*، سال هشتم، ش ۲۸، ص ۳۷-۷۱.

_____، ۱۳۹۷.

نظرپور، محمدنقی و ایوب خزائی، ۱۳۹۱، «طراحی و بررسی انواع صکوک استصناع قابل انتشار در بورس اوراق بهادار»، *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، سال هفدهم، ش ۵۲، ص ۱۸۳-۲۰۹.

نظرپور، محمدنقی، ۱۳۹۲، *عقد و اوراق استصناع کاربردهای استصناع در بازارهای مالی اسلامی*، قم و تهران، دانشگاه مفید و سمت.

هاشمی شاهرودی، سیدمحمود، ۱۳۷۸، «استصناع»، *فقه اهل بیت*، ش ۱۹ و ۲۰، ص ۳-۲۴.

می‌یابد. مؤسسات مالی کشورهای اسلامی با استفاده از این دو قرارداد، نقش عمده‌ای را در تأمین منابع مالی مشترکین خود ایفا می‌کنند. در قرارداد اولیه، بانک در مقام تولیدکننده قراردادی را با مشتری منعقد کرده و در قرارداد ثانوی (استصناع موازی)، بانک به‌عنوان خریدار نهایی قراردادی را با تولیدکننده منعقد می‌کند. انعقاد قرارداد ثانوی یا موازی برای انجام تعهدات مؤسسات مالی در قبال مشتری در قرارداد اولیه است.

منابع.....

این منظور، محمدبن مکرم، ۱۴۰۸ق، *لسان العرب*، بیروت، داراحیاء.

اشعریون قمی‌زاده، فرزانه و حامد ریاحی، ۱۳۹۳، «بررسی مقایسه‌ای روش تأمین مالی پروژه‌های انرژی براساس تلفیق اوراق استصناع - قرارداد BLT و اوراق استصناع مستقل»، *تحقیقات مالی - اسلامی*، ش ۶ ص ۱۸۹-۱۶۱.

زرقا، انس، ۱۳۸۰، «گواهی استصناع (سفارش ساخت)»، ترجمه محمدزمان رستمی، *اقتصاد اسلامی*، ش ۱، ص ۱۲۰-۱۲۸.

سرخسی، شمس‌الدین، ۱۴۱۴ق، *کتاب المبسوط*، بیروت، دارالکتب العلمیه.

سویلیم، ابراهیم، ۱۳۸۶، *پوشش ریسک در مالی اسلامی*، ترجمه محمد علیزاده اصل، مهدی عسگری و مهدی حاجی رستم‌لو، تهران، دانشگاه امام صادق ع.

صبری هارون، محمد، ۱۹۹۹م، *احکام الاسواق المالیه*، اردن، دارالفائس.

عمید، حسن، ۱۳۶۳، *فرهنگ فارسی عمید*، تهران، امیرکبیر.

عیسوی، محمود و اعظم محمودی، ۱۳۹۴، «اوراق استصناع و تأمین مالی خرد در مناطق محروم»، *معرفت اقتصاد اسلامی*، ش ۱۲، ص ۸۹-۱۱۰.

کمیجانی، اکبر و محمدنقی نظرپور، ۱۳۸۶، «تأمین مالی طرح‌های اقتصادی از طریق اوراق استصناع»، در: *مجموعه مقالات کنفرانس بین‌المللی تأمین مالی اسلامی*، تهران، مرکز مطالعات تکنولوژی دانشگاه صنعتی شریف.

موسوی، سیدرضا و همکاران، ۱۳۹۶، «اعمال قواعد عمومی قراردادها بر نهاد استصناع در نظام بانکی کشور»، *قانون یار*، سال اول، ش ۳، ص ۲۵۷-۲۹۰.

موسویان، سیدعباس و احسان بازوکار، ۱۳۹۲، «بررسی فقهی - حقوقی اوراق استصناع موازی»، *دیدگاه‌های حقوق قضایی*، ش ۶۳، ص ۲۰۹-۲۴۴.

موسویان، سیدعباس، ۱۳۸۶الف، «اوراق بهادار استصناع مکمل بازار سرمایه ایران»، *جستارهای اقتصادی*، ش ۸، ص ۲۰۹-۲۳۶.

_____، ۱۳۸۶ب، *ابزارهای مالی اسلامی (صکوک)*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

مؤمن، محمد، ۱۳۷۶، «استصناع (قرارداد سفارش ساخت)»، *فقه اهل بیت ع*، ش ۱۱-۲۱، ص ۲۰۷-۲۳۹.

میثمی، حسین، ۱۳۹۱، «مراجعه، استصناع خرید دین به‌عنوان ابزارهای جدید